

آئینی که باید شناخت



فهرست مطالب

پیش گفتار

وضعیت کنونی

یک آئین جهانی

مبانی

چه نیازی به پیامبران الهی داریم؟

جامعه ی بشری چه نیازی به دین دارد؟

اعتقاد به روح و عالم بعد

اعتقاد به وجود سه عالم

ادیان هم دوره ای دارند

پیامبران الهی همواره ظهور خواهند کرد

تاریخ

آنچه همه ی امت ها به آن وعده داده شده اند : دو ظهور پیاپی

حضرت باب که بود؟

ظهور حضرت بهاء الله

پس از حضرت بهاء الله

جامعه ی بهائی چگونه اداره می شود؟

برخی از تعالیم بهائی

هدف ، وحدت عالم انسانی

اساس همه ی ادیان یکی است

نظرات دیانت بهائی درباره ی اسلام

وحدت درکثرت

تساوی حقوق زنان و مردان

ترک همه ی تعصبات

جستجوی حقیقت

عدم دخالت درسیاست

خدمات بهائیان به عالم انسانی(پروژه های توسعه ی اجتماعی و اقتصادی)

برخی از احکام دیانت بهائی

نماز و روزه

ازدواج و طلاق

حجاب

تعالیم اخلاقی دیانت بهائی

نمونه ای از آثار بهائی

از آثار حضرت بهاء الله

از آثار حضرت باب

از آثار حضرت عبدالبهاء

نظرات دیانت بهائی درباره ی ایران و آینده ی آن

نظرات برخی از مشاهیری که با دیانت بهائی آشنا شدند

برخی از سایت های بهائی برای کسب اطلاعات بیشتر

پیش گفتار

سخن درباره ی آئین بهائی است، آئینی که درسراسر جهان گسترش یافته اما هنوز در وطن خود درهاله ای از ابهام قرار دارد. آئینی که درزادگاه خود با وجود قدمت بیش از صد و شصت ساله اجازه ی دسترسی به هیچ رسانه ای را ندارد و هرگز نتوانسته است آزادانه با هموطنان خود سخن بگوید. آئینی که باید شناخت و درباره اش به قضاوت نشست.

یک آئین جهانی

دیانت بهائی از نظر پراکندگی جغرافیائی ، دومین دیانت جهان بعد از مسیحیت است . جوامع بهائی در بیش از ۱۶۰۰۰ نقطه در جهان وجود دارند و پیروان دیانت بهائی در بیش از ۱۱۷۰۰ شهرو و روستا و ۱۸۸ کشور مستقل و ۴۵ کشور غیر مستقل تشکیلات محلی و ملی دارند. تعداد افراد این جامعه بالغ بر ۵ میلیون نفر می شود که از زمینه های مختلف دینی و نژادی به این جامعه پیوسته اند. در میان اعضای این جامعه کسانی را می توان یافت که سابقاً " مسیحی ، زرتشتی، مسلمان ، یهودی ، هندو، بودائی ، معتقد به آئین های سرخپوستی و آفریقائی و حتی بی دین بوده اند. جامعه ی جهانی بهائی از اعضای بیش از ۲۱۱۲ نژاد و قوم گوناگون تشکیل شده است. ^۱

^۱ . برای دستیابی به آمار روز در باره ی اندازه و رشد جامعه ی بهائی مراجعه کنید به : <http://www.bahai.org> و همچنین آمار منتشر شده در کتاب *عالم بهائی ۲۰۰۲* - ۲۰۰۱ . برای دستیابی به منابع خارج از دیانت بهائی مراجعه کنید به *دائرة المعارف بریتانیکا* و سایر منابع بی طرف.

چه نیازی به پیامبران الهی داریم؟

بهائیان هدف از حیات را تکامل روح، و زندگی انسان را بر روی این کره ی خاک مرحله ای از یک سیر ابدی به سوی کمال می دانند. این تکامل و ترقی روحانی بدون وجود یک مربی امکان پذیر نیست:

اگر کسی بگوید من در کمال عقل و ادراکم و محتاج به آن مربی نیستم، او منکر بدیهیات است. مثل طفلی که بگوید من محتاج تربیت نیستم، به عقل و فکر خود حرکت می کنم و مثل آن است که کوری گوید من محتاج به چشم نیستم، چون که بسیار کوران هستند که گذر می کنند.

همان طور که کودک برای رشد و پیشرفت خود احتیاج به تعلیم و تربیت و مربیان دلسوزی چون پدر و مادر و آموزگاران مدرسه دارد، انسان نیز محتاج یک مربی کامل است تا حقائق روحانی و راه تکامل معنوی را به او بیاموزد. این مربی، پیامبر الهی است که به حقائق روحانی دسترسی دارد و نسبت به بشر معمولی در رتبه ی بالاتری قرار گرفته است:

انسان محتاج به مربی است و این مربی بی شک و شبهه باید
در جمیع مراتب کامل و ممتاز از بشر باشد، چه که اگر مثل
سایر بشر باشد، مربی نمی شود.^۱

^۱ برای دستیابی به اصل نقل قولها و بحث مفصل تر در این زمینه مراجعه فرمائید به : حضرت
عبدالبهاء، *مفوضات* ، ص ۹ - ۵

جامعه ی بشری چه نیازی به دین دارد؟

دین مجموعه ی تعالیم و احکامی است که پرورش اخلاقی و روحانی انسان و حرکت او را به سوی کمال ممکن می سازد. این گمان که علم و عقل به تنهایی برای انسان کافی است، گمان باطلی است. علم و عقل نقش بسیار مهمی در پیشبرد جامعه ی بشری دارد، اما نمی تواند مبنای استواری برای اخلاقیات و پرورش وجدانی انسان باشد زیرا نیروی کافی برای غلبه بر نفس پرستی ها و لذت جوئی های انسان ندارد. بسیار می شود که عقل بازیچه ی دست هوس ها و خودخواهی های انسانی می گردد و اعمال زشت و ظالمانه را موجه جلوه می دهد. نمونه های زیادی در تاریخ هست که نشان می دهد چه اعمال وحشیانه و چه کشتارهایی که توجیه عقلانی نشده اند. علم نیز وسیله ای است که می تواند در دست هر کسی قرار گیرد و در راه هر هدفی به کار گرفته شود، هدف هائی که می توانند بسیار ناشایسته و مخرب باشند.

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

آنچه حقیقتاً انسان را از گناه و خطا باز می دارد ، خودداری و منع درونی است که تنها دین توان ایجاد آن را دارد. اگر دین نباشد تا انسان را از درون از خطا بازدارد، از قانون نیز کاری ساخته نیست، چه که انسان همیشه می تواند برای فرار از قانون راهی بیابد:

«اگر سراج [چراغ] دین مستور [خاموش] ماند، هرج و مرج راه
یابد»^۱

^۱ از بیانات حضرت بهاء الله، *اشراقات*، اشراق اول. برای بحث مفصل تر در این زمینه ها مراجعه فرمائید به : استانود کاب، *آرامش برای جهان پر آشوب*، ص ۱۰ - ۸ و ادوشوفر، *فراسوی اختلاف مذاهب*، ص ۲۴ - ۱۳

اعتقاد به روح و عالم بعد

بهائیان به وجود روح ، عالم بعد، مجازات و مکافات و بهشت و جهنم معتقدند.

آنان مرگ را دروازه ی حیات ابدی می دانند که با آن روح از قفس تن رها می شود و به سیرتکاملی و ابدی خود به سوی خداوند ادامه می دهد. آنان از این جهت مرگ را بشارتی می دانند که نباید از آن اندوهگین شد: «جعلت لك الموت بشارت كيف تحزن منه»ⁱ

به این سبب بهائیان هرچند غم و اندوه از دست دادن عزیزان را امری طبیعی می شمردند، اما شیون و زاری شدید را پسندیده نمی دانند.

پس از مرگ هرکس از حقیقت اعمال خود در این جهان آگاه می گردد و نتیجه ی اعمال خود را می بیند. بهشت او کسب رضای الهی و جهنم او محرومیت از این رضا و دوری از خداوند است.

بنابر تعالیم بهائی نفس خطا و گناه برای فرد خردمند از هر مجازاتی سنگین تر است.ⁱⁱ

ⁱ از بیانات مبارکه ی حضرت بهاء الله در کلمات مکتونه ی عربی .

ⁱⁱ برای بحث مفصل تر درباره ی ترقی و بقای روح مراجعه فرمائید به : بیانات حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه ، ج ۱، ص ۱۵۱ - ۱۴۲. برای بحث مفصل تر درباره ی اعتقادات بهائی درباره ی روح و بقای آن و عالم بعد از جمله مراجعه فرمائید به : رساله ی

اعتقاد به وجود سه عالم

از سوی دیگر بهائیان به وجود سه عالم اعتقاد دارند:

- عالم حق که متعلق به ذات غیب و غیرقابل شناسائی حق است،
- عالم امر عالمی است که به پیامبران تعلق دارد و واسطه ی میان حق و خلق است
- و عالم خلق که همه ی موجودات و مخلوقات در آن قرار می گیرند.

ادیانی که تا قبل از ظهور حضرت بهاء الله ظاهر شدند، ادیانی توحیدی بودند که بر وحدت عالم حق تأکید داشتند، یعنی این که خدا یکی است و شریکی ندارد. حضرت بهاء الله بر وحدت عالم امر [یکی بودن اساس ادیان] و عالم خلق [وحدت عالم انسانی] نیز تأکید دارند.

نصوص الواح درباره ی بقای ارواح، گردآوری عبدالحمید اشراق خاوری و همچنین به :
هوشنگ گهرریز، حیات بعد از مرگ .

ادیان هم دوره ای دارند

دردیانت بهائی دوره ی هردینی به گذشت یک سال و تغییر فصل ها تشبیه شده است. «زیرا تغییر و تبدیل از لوازم ذاتیه ی امکان است، ممکن نیست تغییر پیدا نشود، لابد بعد از هر معموری [آبادانی]، مظموری [ویرانی] است و بعد از هر آفتابی، شب یلدائی».^۱

وقتی دینی تازه ظاهر می شود و قبل از این که گسترش زیادی پیدا کند، فصل بهار آن دین است، فصل تازگی و طراوت و سرسبزی و خرمی است، اما فصل توفان های وحشت آفرین و رعد و برق سختی ها هم هست. همان طور که در ابتدای ظهور ادیانی نظیر مسیحیت و اسلام هم شاهد آن بوده ایم که چگونه مؤمنان جلوی شیرهای گرسنه انداخته می شدند یا مورد هجوم و استهزاء دشمنان قرار می گرفتند. بهار دین مرحله ای است که هنوز عظمت آن به طور کامل آشکار نگردیده است.

بعد تابستان از راه می رسد. خورشید به اوج درخشش خودش می رسد. درختها میوه می دهند و نتیجه ی باد و باران بهاری ظاهر می شود. این مرحله ای است که دین، فرهنگ و تمدن خود را پایه ریزی می کند و عظمت آن چشم همگان را خیره می

^۱ حضرت عبدالبهاء، خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۵۴.

سازد. دانشمندان و متفکران زیادی ظاهر می شوند، علم و درس و اختراع و اکتشاف رونق می گیرد و اهل دین به سعادت و رفاه می رسند. این فصل تابستان دین است، فصلی که به بار می نشیند و ثمرات و اثرات آن ظاهر می گردد.

بعد کم کم سرمای پائیزی به همه جا نفوذ می کند. خورشید دین را غبار اوهام و خرافات خود ساخته ی مردم می گیرد، کم کم اصل دین فراموش می گردد و به ظواهر آن پرداخته می شود. کم کم پیروان آن دین تعالیم دیانت خود را طور دیگری معنی می کنند و دیانت نه در لغت که در معنی تحریف می گردد. کم کم میدانی برای هوی و هوس مردمان باز می شود. شعله ی محبت و دوستی رو به سردی می گذارد و زمستان از راه می رسد.

در زمستان سرما و انجماد همه جا را فرا می گیرد. از حقیقت دین چیزی نمی ماند. دین بهانه ای می شود برای دنیا پرستی. دین وسیله ای می شود در دست نفس پرستان که آن را مطابق نفس و هوای خود معنی نمایند و مورد سوء استفاده قرار بدهند. دیانتی که افکار را آزاد می کرد و به پیش می راند، خود قید و بندی می شود و افکار را از حرکت باز می دارد. جلوی هرفکر و اندیشه ی جدیدی به اتهام کفر و الحاد گرفته می شود. همه دشمن شمرده می شوند. درستکاری و نیکوکاری جای خود را به ریا و تظاهر می دهد و حتی کار به جایی می رسد که بسیاری افراد که از این وضع به تنگ می آیند، از هر نوع دین و ایمانی بیزار می شوند. اما این

زمستان هم سرانجام به پایان می رسد. این زمستان هم مقدمه ی
بهار دیگری است، ظهور یک دین دیگر، یک بهار روحانی دیگر.^۱

^۱ برای بحث مفصل تر در این باره از جمله مراجعه کنید به : بیانات حضرت عبدالبهاء در
خطابات مبارکه، ج ۵ - ۵۲

پیامبران الهی همواره ظهور خواهند کرد

بهائیان معتقدند که انسانها همواره برای رشد و تکامل معنوی خود نیازمند هدایتند و خداوند نیز در فاصله های زمانی معین پیامبرانی را برای هدایت آنان می فرستد. هیچ گاه نمی توان گفت ارتباط بین خداوند و انسان قطع شده و به علت این که دیانت کاملی ظاهر گشته ، دیگر خداوند از طریق پیامبران با انسان سخن نمی گوید. این اعتقادی است که در میان پیروان بسیاری از ادیان و برخلاف نشانه های روشنی که در کتب آسمانی ایشان مبنی بر ظهور یک پیامبر و منجی دیگر در آینده وجود دارد، ایجاد شده است. همه ی ما این سخنان را از بسیاری از اهل ادیان شنیده ایم.^۱

اما چگونه می توان در جهانی که همه چیز دستخوش تحول و تغییر است و هیچ چیزی ثابت و پایدار نیست، مدعی شد که قوانین و احکام دینی که برای جوامع بشری آمده اند ، باید ثابت بمانند؟ آیا اجتماعات بشری در طول چند هزار سال اخیر که تاریخ آن را در دست داریم، ثابت مانده اند؟ آیا درک و دانش انسان ثابت مانده است؟ آیا دانش و فنونی که امروزه انسان در اختیار دارد و مسائل پیچیده ی اخلاقی و اجتماعی جدیدی که با آن روبه رو شده است همانهاست که در گذشته بود؟

^۱ برای بحث مفصل تر مراجعه فرمائید به : ادوشوفر، فراسوی اختلاف مذاهب ، ص ۴۵ - ۳۶.

«هرروز را رازی است و هرسر را آوازی. درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر.»ⁱ

بهائیان معتقدند که هرچند حقائق روحانی و اصول اخلاقی در همه ی ادیان یکی هستند و هسته ی ثابت همه ی آنها را تشکیل می دهند، اما احکام و قوانینی که ناظر به اجتماعات بشری و زندگی انسانها هستند، با آمدن هردیانت جدید تغییر می یابند و مطابق با نیازها و احتیاجات مردم ظاهر می شوند. حقائق روحانی و اصول اخلاقی نیز مطابق با بالارفتن درک و استعداد مردم بسط و گسترش داده می شوند.

پیامبران الهی را می توان به آموزگاران کلاسهای مختلف تشبیه کرد. بشر با طی هرکلاس به کلاس بالاتر می رود و مطالب جدیدی می آموزد. آموزگاران از نظر دانش و مرتبه ی علمی یکسان هستند، اما مطابق با درک و فهم دانش آموزان هرکلاس سخن می گویند و درس می دهند.ⁱⁱ

ⁱ ازبیانات حضرت بهاء الله، دریای دانش، ص ۳

ⁱⁱ برای بحث مفصل تردراین زمینه ازجمله مراجعه فرمائید به: حضرت عبدالبهاء، خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۶ - ۷۱.

آنچه همه ی امت ها به آن وعده داده شده اند :

دو ظهور پیاپی

در همه ی ادیان علاوه بر بشارات و اشاره هائی که به ظهور بعدی هست، به دو ظهور در آخرالزمان هم اشاره شده است. یعنی در واقع پیروان همه ی ادیان منتظر دو ظهور پیاپی هستند.

در تورات اشاره به دو ظهور رب الجنود و مسیح شده، در انجیل بشارت به رجعت ایلیا و مسیح داده شده ، در اسلام منتظر ظهور امام زمان و رجعت حسینی یا رجعت مسیح هستند. در ادیان زرتشتی و بودائی و برهمنائی هم بشاراتی در مورد دو ظهور پیاپی در آخرالزمان هست.^۱

ظهور دو پیامبر به فاصله ی نزدیک در تاریخ سابقه داشته و چیزی است که در زمان حضرت مسیح هم رخ داده است. قبل از ظهور حضرت مسیح حضرت یحیی ظهور کرد و به نزدیک بودن ظهور حضرت مسیح بشارت داد و حتی پیروان خود را برای این ظهور غسل تعمید داد. حتی خود حضرت مسیح هم بر حسب ظاهر به حضرت یحیی ایمان آورد و توسط او در رود اردن غسل تعمید داده شد. در دیانت بهائی نیز حضرت باب به نزدیکی ظهور حضرت

^۱ برای بحث مفصل تر در این زمینه و دستیابی به بشاراتی که در کتب مقدسه ی گوناگون در این باره هست ، از جمله مراجعه فرمائید به: عنایت الله سهراب، مبادی استدلال، ص ۳۰۰ - ۲۴۴.

بهاء الله بشارت دادند و حضرت بهاء الله قبل از اعلان ظهور خود ، چند سالی از پیروان و حامیان حضرت باب به شمار می رفتند. وقوع این دو ظهور پیاپی نشانگر عظمت ظهور حضرت بهاء الله و شروع عصر جدیدی در تاریخ بشریت بود. وقوع این دو ظهور از سوی دیگر نشانه ی تباهی نظام فاسد و فرسوده ی دینی بود که ظهور دیانت حضرت باب را لازم می ساخت تا بنای اعتقادات فرسوده و کهن را فرو ریزد و زمینه را برای ظهور یک دیانت جدید با احکام و تعالیم جدید آماده سازد.

حضرت باب که بود؟

حضرت باب که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری ادعا فرمود که همان مهدی موعود دنیای اسلام و دارای کتاب و شریعت جدید می باشد، از خاندان عصمت و نبوت و نام مبارکشان سید علی محمد بود. حضرتش در شیراز و در خاندانی از تجار آن منطقه به دنیا آمدند .

سالها قبل از آن که ایشان دعوت خود را آشکار سازند، دوتن از علمای بزرگ شیعه بنام شیخ احمد احسائی که مکتب شیخی را در اسلام بنا نهاد و شاگرد و جانشین وی ، سید کاظم رشتی، ، مردم را به نزدیک بودن ظهور امام قائم بشارت می دادند. حتی سید کاظم رشتی با این که مرگ خود را نزدیک می دید ، جانشینی برای خود انتخاب نکرد و از شاگردان خود خواست که بعد از مرگ وی در کربلا نمانند، پراکنده شوند و به جستجوی قائم بپردازند. یکی از برجسته ترین شاگردان سید کاظم ، ملاحسین بشرویه ای بود که بعد از چهل روز اعتکاف عراق را ترک نمود و در جستجوی قائم به ایران وارد شد و قبل از غروب روز پنجم جمادی الاول سال ۱۲۶۰ ه.ق. به خارج از دروازه های شهر شیراز رسید. وی در آنجا جوانی را ملاقات کرد که وی را به خانه ی خود دعوت نمود. آن جوان ، حضرت باب بود که همانشب رسالت خود را با ملاحسین در میان گذاشت. پس از ملاحسین ۱۷

نفر دیگر که همه از مریدان شیخ احمد و سید کاظم رشتی به شمار می رفتند به حضرت باب ایمان آوردند و به تبلیغ امر آن حضرت پرداختند.

پس از مدت کوتاهی شهرت دعوت حضرت باب همه ی ایران را فراگرفت و مردم از هردسته و گروه ، از علمای طراز اولی مانند وحید دارابی و حجت زنجانی گرفته تا افراد عادی به دیانت حضرت باب پیوستند. رواج سریع و گسترده ی دیانت بابی مقامات حکومتی و علمای دینی را به وحشت انداخت و با خشونت بارترین روش ها به مقابله و قتل و غارت بایبان پرداختند . چندی نگذشت که حضرت باب نیز دستگیر شدند و پس از آنکه مدتی در شیراز و اصفهان تحت نظر بودند ، دردوردست ترین نقاط آذربایجان ، در قلعه ی ماکو و سپس درقلعه ی چهریق زندانی شدند. اما شهرت و محبوبیت حضرت باب روزه روزه روز شدت می گرفت و تعداد پیروان حضرتش روزه روزه بیشتر می شد تا آنکه با حضور ناصرالدین میرزای ولیعهد، مجلسی در تبریز ترتیب داده شد تا حضرت باب را در آن محاکمه نمایند.

حضرت باب سه بار در آن مجلس فرمودند: « من همان قائم موعودی هستم که هزارسال است منتظر ظهور او هستید و چون اسم او را می شنوید از جای خود قیام می کنید و مشتاق لقای او هستید و عجل الله تعالی فرجه بر زبان می رانید.»

سرانجام ، پس از شش سال که از شروع دعوت حضرت باب می گذشت و پس از آنکه نتوانستند ایشان را به ترک ادعای خود وادار سازند ، حضرتش را در سن ۳۱ سالگی در سربازخانه ی تبریز و به همراه میرزا محمد علی زنوزی که تا آخرین دم حیات حاضر نشد مولای خود را ترک نماید ، تیرباران کردند.^۱

^۱ برای دستیابی به تاریخ مفصل تر زندگانی حضرت باب، از جمله مراجعه فرمائید به حضرت شوقی افندی، قرن بدیع و نبیل زرنندی ، تاریخ نبیل ، دکتر نصرت الله محمد حسینی ، حضرت باب.

ظهور حضرت بهاء الله

حضرت باب در همه ی آثار و سخنان خود براین تأکید داشتند که به زودی ظهور عظیم تری رخ خواهد داد و از پیروان خود می خواستند که پس از آن ظهور در پذیرفتنش لحظه ای تردید ننمایند.

این ظهور عظیم ظهور حضرت بهاء الله بود. حضرت بهاء الله از خاندان وزرا و نسبش از یک سو به حضرت ابراهیم و از سوی دیگر به پادشاهان قدیم ایران و انوشیروان دادگر می رسید. نام مبارکشان میرزا حسینعلی و متولد طهران بودند.

وارستگی ایشان از امور دنیائی و مهربانی و دفاع از فقرا و محافظت از محرومین و حسن سلوک و اخلاق ایشان زبانزد خاص و عام بود. پس از آن که به حسب ظاهر توسط ملاحسین بشرویه ای (اولین مؤمن به حضرت باب) از دعوت حضرت باب مطلع گشتند ، به تمام قوا به حمایت و پشتیبانی از آن حضرت و ازبایان پرداختند.

پس از تیرباران حضرت باب ، دو جوان بابی که از شدت غم و اندوه دیوانه شده بودند ، با تفنگ ساچمه ای قصد جان ناصرالدین شاه را کردند و این اقدام خودسرانه ی ایشان باعث شد که حملات برضد بابیان و قتل و غارت آنان اوج گیرد. دراین حین حضرت بهاء الله که از نظر حکومت از رؤسای بابیه به شمار می رفتند ، به

تهمت این که در این سوء قصد نابخردانه دست داشته اند ، دستگیر و به سیاهچال طهران افکنده شدند.

پس از چهارماه که بی گناهی حضرتش به اثبات رسید و خونخواهی علما و درباریان کاهش یافت ، حضرتش از زندان آزاد و در سرمای زمستان با خانواده و برخی یاران به بغداد تبعید گردید. از آن پس حضرت بهاء الله همه ی حیات خود را به دور از ایران و در تبعیدهای متوالی گذراندند. چند سال بعد با افزایش نفوذ و محبوبیت حضرت بهاء الله در بغداد، بنا به تحریک دولت ایران ، دولت عثمانی حکم تبعید مجدد حضرت بهاء الله را به استانبول صادر نمود. قبل از حرکت از بغداد به سوی استانبول حضرت بهاء الله رسالت خود را برهمگان آشکار نمودند و چیزی را که بسیاری از بابیان به مدد درک وهوش خود به آن پی برده بودند ، علنی کردند: ایشان همان موعودی بودند که حضرت باب به ظهور ایشان بشارت داده بود.

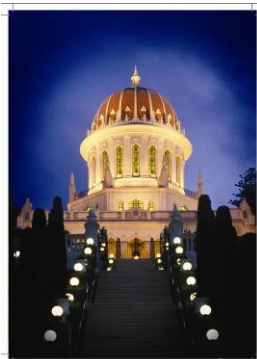
حضرت بهاء الله از استانبول نیز به ادرنه و از ادرنه به عکا در خاک فلسطین تبعید شدند. درهمین شهر بود که ۲۴ سال بعد ، سرانجام در سن ۷۵ سالگی روح مقدسشان عالم خاک را ترک گفت.

از حضرت بهاء الله کتب و آثار بسیاری برجای مانده که همه یا به خط خود ایشان است یا به تأیید ایشان رسیده است. از میان آثار

آن حضرت کتاب مستطاب اقدس به ام الکتاب و به کتاب آسمانی بهائیان مشهور است.

اکنون مرا قد مطهر حضرت بهاء الله، حضرت باب، حضرت عبدالبهاء پسر ارشد و جانشین حضرت بهاء الله و اعضای خانواده ایشان در عکا واقع شده است. به همین مناسبت مرکز اداری و روحانی جامعه ی جهانی بهائی نیز در عکا و در شهر مجاورش، حيفا قرار دارد.

لازم به ذکر است که حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نه به میل درونی خود که بنا به خواست دولت ایران به این سرزمین که در آن زمان در قلمرو دولت عثمانی قرار داشت و حدود هشتاد سال بعد با تشکیل دولت اسرائیل تحت حکومت آن دولت قرار گرفت، تبعید گشتند.^۱



^۱ برای دستیابی به تاریخ مفصل تر حیات حضرت بهاء الله از جمله مراجعه فرمائید به: حضرت شوقی افندی، قرن بدیع، نبیل زرنندی، تاریخ نبیل، حسن موقر بالیوزی، بهاء الله شمس حقیقت.

پس از حضرت بهاء الله

پس از حضرت بهاء الله بنا بر وصیت نامه ی صریح ایشان ، پسر ارشدشان ، عباس که با وجود القابی که پدر بزرگوار به ایشان داده بودند ، تنها خود را عبدالبهاء نامیدند، اداره ی امور جامعه ی بهائی را به عهده گرفتند.

حضرت عبدالبهاء مبین و مفسر آثار حضرت بهاء الله و نمونه و الگوی یک بهائی حقیقی بودند و مراتب عشق و محبت بی دریغ و علم و حکمت و تدبیر ایشان مورد تصدیق همه، از دوست و دشمن بود.

ایشان از هشت سالگی در تبعید و زندان و بلایا شریک و غمخوار پدر بودند.

از حضرت عبدالبهاء نیز کتب و الواح بسیاری برجای مانده است.^۱ است.^۱

پس از حضرت عبدالبهاء ، بنا بر وصیت نامه ی آن حضرت ، نوه ی ارشد ایشان شوقی افندی که بهائیان ایشان را حضرت ولی امرالله می نامند، مسئولیت تبیین آثار بهائی و اداره ی جامعه را

^۱ برای دستیابی به شرح مفصل تر حیات حضرت عبدالبهاء از جمله مراجعه فرمائید به : حضرت شوقی افندی، قرن بدیع ، محمد علی فیضی ، حیات حضرت عبدالبهاء .

برعهده گرفتند و جامعه ی نوپای بهائی را انتظام و وسعت بخشیدند.ⁱ

پس از صعود حضرت ولی امرالله، اداره ی جامعه ی بهائی همان طور که در آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء پیش بینی شده بود، برعهده ی شوراهای انتخابی محلی و ملی که از قبل کار خود را آغاز کرده بودند و شورای حاکمه ی بین المللی بهائی قرار گرفت که بعداً "انتخاب شد و به بیت العدل اعظم مشهور گردید."ⁱⁱ

ⁱ برای دستیابی به شرح حیات حضرت ولی امرالله از جمله مراجعه فرمائید به: حضرت روحیه ی ربانی، گوهریکتا و عبدالحمید اشراق خاوری، مختصری در شرح حال حضرت ولی امرالله.

ⁱⁱ برای دستیابی به تاریخ بین صعود حضرت ولی امرالله و تشکیل بیت العدل اعظم از جمله مراجعه فرمائید به: عبدالعلی علائی، مؤسسه ی ایادی امرالله، ص ۳۱ - ۲۸.

جامعه ی بهائی چگونه اداره می شود؟

بهائیان طبقه ای که برای انجام آداب و رسوم دینی تعلیم دیده و به طور حرفه ای و تخصصی به امور دینی بپردازند، ندارند. امور جوامع بهائی از طریق شوراهای انتخابی که به محفل های روحانی مشهورند ، انجام می شود. این شوراها که از ۹ عضو تشکیل شده ، هرساله تجدید انتخابات می شوند. درانتخابات بهائی کاندید و نامزد شدن و تبلیغات انتخاباتی وجود ندارد. همه مؤظف هستند که با نهایت دقت به هر ۹ نفر فرد بالغی از اعضای جامعه ی بهائی آن محل که برای این مسئولیت شایسته می دانند، رأی بدهند. انتخابات بهائی سری است یعنی هیچ کس حق ندارد درباره ی این که به چه کسی رأی داده یا خواهد داد ، با دیگری صحبت کند.

اداره امور بهائیان هر کشور و ایجاد هماهنگی بین محافل محلی آن کشور را محافل ملی به عهده دارند. در رأس محافل ملی بیت العدل اعظم الهی قرار دارد که امور جامعه ی جهانی بهائی را اداره می کند و هر پنج سال یک بار انتخاب می گردد.^۱

^۱ برای اطلاعات بیشتر در مورد انتخابات بهائی از جمله مراجعه فرمائید به گنجینه ی حدود و احکام ، ص ۶۷ - ۵۹ و همچنین بحث جالب دکتر مایکل کارل برگ در فراسوی فرهنگ رقابت، فصل ۵ ، بخش تصمیم گیری جمعی .

هدف : وحدت عالم انسانی

هدف و محور اصلی تعالیم بهائی رسیدن به وحدت عالم انسانی و ایجاد صلح و محبت و یکپارچگی بین تمام اعضای خانواده ی بشری و از بین رفتن جنگ و دشمنی و بیگانگی است که از ویژگی های دوران کودکی بشر بوده است.

بشر در طول پیشرفت و ترقی اجتماعی خود از مراحل مختلف وحدت گذشته است. اولین وحدتی که انسان به آن دست یافت وحدت و انسجام خانواده بود، بعد این وحدت به ایل و قبیله گسترش پیدا کرد، بعد بین افراد یک شهر وحدت ایجاد شد و در نهایت انسان به وحدت ملی در میان افراد یک کشور دست یافت.ⁱ مرحله ی بعدی و نهائی در این روند ، رسیدن به وحدت عالم انسانی است که در آن همه ی کره ی ارض یک وطن و یک کشور محسوب خواهد شد.ⁱⁱ

«فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن»ⁱⁱⁱ

ⁱ حضرت شوقی افندی ، نظم جهانی بهائی، ص ۶۰

ⁱⁱ برای بحث مفصل تر در این باره از جمله مراجعه فرمائید به الواح حضرت بهاء الله جمعی

آوری شده در نبدۀ من تعالیم حضرة بهاء الله و همچنین خطابات مبارکه ی حضرت عبدالبهاء جمع آوری شده در سه جلد.

ⁱⁱⁱ از بیانات حضرت بهاء الله ، دریای دانش ، ص ۲۰.

اساس همه ی ادیان یکی است

بهائیان معتقدند که اساس همه ی ادیان الهی یکی است، همه از یک سرچشمه ظاهر شده اند، همه از جانب خداوند آمده اند، همه به عالم امر تعلق دارند. حقیقت همه ی آنها و حقیقت همه ی پیامبران یکی است، جدائی درمیان نیست. حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت موسی و حضرت باب و حضرت بهاء الله درواقع یک حقیقت بوده اند که با نامهای مختلف و درزمانهای مختلف ظاهر شده اند. بین آنها اختلافی نیست، همان طور که هرپیامبر، پیامبر قبل از خود را تصدیق کرده و به ظهور پیامبر بعدی بشارت داده است. همه ی ادیان درحقیقت مراحل مختلف یک دین واحد هستند که هر بار بنا به افزایش درک و استعداد بشر به صورت کاملتری ظاهر می گردد. این وحدت در عالم امر است.^۱

^۱ برای بحث مفصل تر در این زمینه از جمله مراجعه فرمائید به خطابات مبارکه، ج ۲، ص

نظرات دیانت بهائی درباره ی اسلام

همان طور که گفته شد بهائیان اساس همه ی ادیان رایکی و همه ی پیامبران را دراصل یک حقیقت می دانند و نسبت به جمیع پیامبران و کتابهای آسمانی آنان همان احترام و تکریمی را دارند که نسبت به حضرت بهاء الله و کتاب آسمانی خود.

اما در آثار بهائی در تجلیل و تکریم دیانت اسلام و حضرت رسول (ص) و ائمه ی اطهار به طور خاص نیز بیانات زیادی را می توان یافت. در آثار بهائی از حضرت محمد به نام «خاتم انبیاء»ⁱ، «سید المرسلین»ⁱⁱ، «سید ولد عدنان»ⁱⁱⁱ، ... از حضرت علی به عنوان «بدر منیر افلاک علم و معرفت»^{iv}، «نقطه و مرکز دایره ی ولایت»^v، «اسدالله الغالب»^{vi}، «سلطان عرصه ی علم و حکمت»^{vii}، «پادشاه کشور

ⁱ از بیانات مبارکه ی حضرت بهاء الله در مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۷۰.

ⁱⁱ از بیانات مبارکه ی حضرت عبدالبهاء در مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۱۹۱

ⁱⁱⁱ همان.

^{iv} همان، ص ۸

^v همان.

^{vi} همان، ص ۹

^{vii} همان، ص ۶

ولایت»ⁱ ... از قرآن به عنوان «قرآن عظیم»ⁱⁱ ، «مصحف کریم»ⁱⁱⁱ ، ... و از دیانت اسلام به عنوان «شریعت مبارکه غرا»^{iv} یاد شده است. حتی لوح مخصوصی در مورد شهادت حضرت امام حسین نازل شده است که در روز عاشورا خوانده می شود.^v

حضرت عبدالبهاء در سفرهای خود در اروپا و آمریکا ضمن بیان تعالیم بهائی در بسیاری از مجامع به اثبات حقانیت حضرت محمد (ص) برای مسیحیان و یهودیان پرداختند و در رفع سوء تفاهات و دشمنی بین آنان کوشیدند^{vi} ، کوشیدند^{vi} ، از جمله در خطابه ای به تاریخ ۲۷ اکتبر سال ۱۹۱۱ در پاریس پاریس فرمودند:

پس ای طالبان حقیقت ، آنچه در حق سرور کائنات [موجودات] حضرت محمد علیه السلام تا به حال شنیده اید جمیع روایات از روی غرض [دشمنی] و تعصب جاهلانه بوده ، ابتدا "مقارن آنزدیک و همراه [حقیقت نبوده . حال من حقیقت واقع را برای شما بیان می کنم ...

حضرت محمد در میان اینها ظاهر شد ، این قوم جاهل را همچو تربیت کرد که در اندک زمان تفوق [برتری] بر سائر طوائف [اقوام] عالم حاصل نمودند ، عالم شدند، دانا شدند و اهل معارف شدند و اهل صنایع شدند....

i همان.

ii همان، ص ۱۹۱

iii همان.

iv نقل شده در پیام بیت العدل اعظم الهی، به تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸ میلادی.

v مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۰۲.

vi مراجعه فرمائید به مجموعه ی سه جلدی خطابات حضرت عبدالبهاء.

خلاصه مسلمانان رئیس مسیحیان و رئیس موسویان را نهایت
تمجید و تقدیس می نمایند ، اگر مسیحیان هم رئیس اسلام
را مقابله به مثل [متقابلاً] تمجید و تقدیس کنند ، این نزاع
برداشته می شود.^۱

وحدت در کثرت

بهائیان به وحدت عالم خلق نیز معتقدند و براین باورند که جامعه
ی انسانی سرانجام به مرحله ای از بلوغ رسیده است که می تواند
و باید تضادها و دشمنی ها را از بین ببرد و نه تنها در درون خود
، بلکه با سایر مخلوقات و طبیعت نیز به وحدت و یکپارچگی
برسد.

اما وحدت از نظر بهائیان به معنای همسانی و یکسانی نیست.
وحدت به این معنا نیست که همه باید به یک شکل درآیند ، به
یک باور برسند ، به یک نحو فکر کنند و به یک شکل زندگی
نمایند. این وحدت ، وحدتی در کثرت است. یعنی این که انسانها
بیاموزند با وجود تفاوت های دینی ، نژادی ، ملی و با وجود باور ها
و سلیقه ها و روش های مختلف زندگی در کنار یک دیگر با صلح

^۱ خطابات حضرت عبدالبهاء ، ج ۱ ، ص ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵.

و صفا زندگی کنند و این تفاوتها را نه منشاء اختلاف و دشمنی که مایه ی غنا و زیبایی جامعه ی انسانی ببینند.

«اما اختلاف دیگر که عبارت از تنوع است آن عین کمال و سبب ظهور موهبت حضرت ذوالجلال.»ⁱ

بنابراین تلاش بهائیان در جهت ایجاد وحدت و محبت تلاشی در جهت یکسان کردن مردم جهان یا از بین بردن گوناگونی فرهنگی نیست، بلکه ترویج این باور است که لزومی ندارد همه مثل هم باشیم تا بتوانیم با صلح و محبت در کنار یک دیگر زندگی کنیم، ترویج این باور است که می توانیم معتقدات، روش ها، سلیقه ها و آداب و رسوم یک دیگر را محترم بشماریم و با وجود تفاوتها یک دیگر را دوست داشته باشیم.ⁱⁱ

ⁱ حضرت عبدالبهاء، خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۳۷.

ⁱⁱ برای بحث بیشتر درباره ی مفهوم وحدت در کثرت از جمله مراجعه فرمائید به بیانات حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۹ - ۳۷.

برخی از تعالیم

تساوی حقوق زنان و مردان

بهائیان زن و مرد را دو بال یک پرنده می دانند. برای این که پرنده ی جامعه ی بشری بتواند پرواز کند و اوج بگیرد به هر دو بال احتیاج دارد و هر دوی این بالها باید قوی باشند. بنابر تعالیم بهائی هرچند زن و مرد از نظرتوانائی های جسمانی تفاوت هائی با یک دیگر دارند ، اما هر دو توانائی های فکری و روحانی یکسانی دارند و هر دو باید از حقوق یکسانی برخوردار بوده و در اداره ی جامعه ی خود مشارکت داشته باشند.

این است که در دیانت بهائی تأکید زیادی روی تعلیم و تربیت دختران هست. حتی تعلیم و تربیت دختران بر پسران اولویت دارد ، زیرا این دختران زمانی مادر می شوند و تربیت نسل بعدی را به عهده می گیرند.

این است که وقتی جامعه ی بهائی درجائی تشکیل می شود یکی از اولین اقداماتش اجرای برنامه های سواد آموزی و آموزش های گوناگون برای زنان است ، زیرا عملاً " به اثبات رسیده که پیشرفت

و افزایش توانائی های زنان کلید پیشرفت خانواده و پیشبرد توسعه
ی اجتماعی و اقتصادی جامعه است.^۱

^۱ برای بحث مفصل تر در این زمینه از جمله مراجعه فرمائید به بیانات حضرت عبدالبهاء در
خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۶ - ۱۶۳.

ترک همه ی تعصبات

یکی از تعالیم اساسی دیانت بهائی ترک جمیع تعصبات و پیش داوریها و تبعیضاتی است که باعث و بانی بسیاری از سوء تفاهمات و دشمنی ها و جنگ هاست. این که دیگری از چه نژاد یا مذهب یا قومیت یا ملیت یا جنسیتی است نباید مبنای قضاوت ما درباره ی او قرار گیرد، نباید بین ما مرز ایجاد کند ، نباید باعث بدبینی و سوء ظن و دوری ما از یک دیگر شود، همه بندگان یک خداوندیم ، اگر خداوند با همه مهربان است ، ما چرا نامهربان باشیم؟

«فرقی را که خدا نگذاشته می توان آن را اعتقاد نمود و اساس قرار داد؟»^۱

^۱ برای دستیابی به اصل این بیان و بحث مفصل تر در این باره مراجعه فرمائید به بیانات حضرت عبدالبهاء در *خطابات مبارکه* ، ج ۱ ، ص ۱۶۳ - ۱۵۸

جستجوی حقیقت

یکی دیگر از تعالیم اساسی دیانت بهائی تحری حقیقت است ، یعنی جستجوی حقیقت . «حقیقت مقصود انسان است از هر کس بشنود»^۱ ، یعنی طالب بوی خوش باشیم، از هر گلی که باشد، به دنبال خورشید حقیقت باشیم از هراقی که طلوع کند. به حقیقت ناظر باشیم، در هر لباسی ظاهر شود.

تحری حقیقت مستلزم اندیشه ای مستقل و به دور از پیش داوری ها و تعصبات و تقلید است، تحری حقیقت مستلزم داشتن ذهنی باز است که بتواند هر سخنی را با میزان عقل بسنجد و اگر حقیقتی در آن هست، کشف کند .

یافتن حقیقت رانمی توان به دیگران سپرد. نمی توان تسلیم عادات و عقاید دیگران شد و مسئولیت را بردوش دیگران نهاد. این اختیار و مسئولیتی است که خداوند جداگانه به هریک از بندگان خود داده تا براساس حقائقی که می یابد زندگانی خود را در مسیر تعالی هدایت کند.^۲

در جستجوی حقیقت گاهی لازم می شود بین خود حقیقت و تصوراتی که درباره ی آن داریم یکی را انتخاب کنیم.

^۱ از بیانات حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه ، ج ۱، ص ۱۴۱.

^۲ برای بحث بیشتر در این باره از جمله مراجعه فرمائید به : بیانات حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه ، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۳۹.

درقرآن مجید هست که : یا حسره علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزؤن ای حسرت بربندگان باد که نمی آید پیامبری برآنان جز آن که او را استهزاء می کنند (سوره ی مبارکه یس ، آیه ۲۹). چرا هربار که پیامبران ظاهر می شوند با مخالفت و دشمنی مردم روبه رو می شوند ؟ چرا همه یکباره و بدون تردید دیانت جدید را نمی پذیرند؟

آیا به این دلیل نیست که تصورات خود را برحقیقت ترجیح می دهند ؟ آیا به این علت نیست که میخواهند پیامبران همان طور که آنها تصور می کنند ، حالا هرچقدرهم که این تصور عجیب و غیرعادی باشد ظهورکنند ؟ آیا به این علت نیست که از قبل شرایط و نحوه ی ظهور پیامبران را تعیین کرده و انتظار دارند خداوند برطبق افکارمحدود و بشری آنان عمل کند؟ آیا به این دلیل نیست که برداشت ها و تفسیرهای خود را از آثار مقدسه مطلق گرفته و ظهور الهی را با آنها می سنجند؟

آیا نباید حقیقت را همان طور که می یابیم و درهمان شرایطی که هست بپذیریم؟

عدم دخالت در سیاست

هدف دیانت بهائی مانند همه ی ادیان تربیت روحانی انسانهاست و کار دین و دنیا را از یک دیگر سوا می داند و قائل به جدائی میان دیانت و حکومت است. تربیت روحانی مردم کاری است که آرامش و مجال می خواهد. اطاعت از حکومت و پرهیز از سیاست می تواند با دورنگه داشتن بهائیان از مبارزات قدرت، چنین جو مساعدی را برای آنان فراهم سازد.

بهائیان در سیاست مداخله نمی کنند و حتی بنا بر تعالیم بهائی میزان بهائی بودن و نبودن این است که اگر شخصی در امورسیاسیه دخالت کند این برهان کافی است که بهائی نیست ، دلیل دیگر نمی خواهد. در آثار بهائی امر شده است که بهائیان از امورسیاسیه چه در قلب و چه در باطن و چه به ظاهر و چه به زبان به کلی در کنار باشند با هیچ حزبی رابطه ی سیاسی نداشته باشند.^۱ بهائیان اعتقادات ، روش ها و اهدافی دارند که با برنامه ی هیچ یک از احزاب سیاسی مطابقت ندارد، در نتیجه آنان را

^۱ برای دستیابی به احکام مربوط به عدم مداخله در سیاست ، مراجعه فرمائید به : گنجینه ی حد وود و احکام ، گرد آوری عبدالحمید اشراق خاوری ، ص ۷ - ۳۳۳

گرایشی به امورسیاسیه نیست، وظیفه شان اطاعت از حکومت است و کوشش در راه سعادت و بهروزی مردم زمین.^۱

البته بهائیان منزوی و گوشه نشین و نسبت به سرنوشت مردم بی تفاوت نیستند. حضرت بهاء الله چنین تعلیم می فرمایند که خودبین نباشند ، عالم بین باشند، در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشند.^{۱۱} اما آنچه بهائیان می کوشند انجام دهند، از طریق احزاب و مبارزات سیاسی و به روشهای متداول نیست. روش بهائیان روش صلح و آرامش و دوری از هیاهو و جنجال و خشونت و رقابت است. روش خدمت خالصانه و مستقیم به مردم جهان، بخصوص به هم وطنان عزیزشان است. آنها یاد گرفته اند که بدون وارد شدن به هیچ حزبی ، در هر کار سازنده ای وارد شوند ، در هر عملی که خیرش به عموم مردم می رسد شرکت جویند، به هر کار خیرخواهانه ای کمک برسانند. پروژه های توسعه ای که بهائیان سراسر عالم در آن شرکت کرده یا به ابتکار خود به اجرا درآورده اند، شاهد این مدعاست.

بهائیان ایرانی نیز در طول بیش از صد و شصت سال تاریخ خود با وجود تعصبات و تبعیضات و حملات شدیدی که بر علیه ایشان وجود داشته ، همواره در جهت خیر و مصلحت ملت ایران و آبادانی

^۱ برای بحث درباره ی حکمت عدم مداخله در سیاست ،از جمله مراجعه فرمائید به: ب.

همایون ، بهائیان و ایران آینده، ۶ - ۳۳.

^{۱۱} مضمون بیان مبارک در لوح دنیا

این کشور کوشیده اند. احداث اولین مدارس مدرن و اولین مدارس دخترانه در سراسر ایران و حتی دربسیاری از روستاها و نقاط دورافتاده واحداث اولین حمام های دوش دار(ورود به حمام های خزینه ای که بسیار کثیف و سبب شیوع بسیاری از بیماریهای واگیر داراست برای بهائیان ممنوع است)، احداث بیمارستانهای مدرن، بنیان گذاری هواشناسی دریائی ، تدوین اطلس جغرافیائی ، بنیان گذاری هواپیمائی ملی ، بنیان گذاری تعلیم و تربیت مدرن ، ترتیب و تنظیم ردیف های موسیقی ایرانی و حفظ موسیقی اصیل ایرانی فقط شماری از خدماتی هستند که بهائیان ایرانی به وطن محبوب خود تقدیم نموده اند.^۱

^۱ برای بحث شرح بیشتر درباره ی خدماتی که بهائیان ایرانی به کشور ایران تقدیم نموده اند، مراجعه فرمائید به ب. همایون، *بهائیان و ایران آینده* و همچنین به عنوان یک منبع غیربهائی مراجعه فرمائید به دلارام مشهوری ، *رگ تاک*، ج ۲ .

خدمات بهائیان به عالم انسانی

(پروژه های توسعه ی اقتصادی و اجتماعی)

بهائیان برای بهبود بخشیدن به اوضاع و حل مشکلات پیچیده ای که بشر امروز دست به گریبان با آن است، هم از طریق آموزش فرد عمل می کنند و هم از طریق تغییر ساختارهای نارسای اجتماعی.

از میان ۱۷۰۰ پروژه ی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی که بهائیان در سراسر عالم به آن مشغولند ۷۵۰ پروژه به برنامه های آموزشی، برنامه هائی نظیر سوادآموزی، تأسیس مدارس، آموزش های فنی و حرفه ای، تأسیس دانشگاههای غیر متمرکز روستائی، آموزش مهارت های مشورت و تصمیم گیری در خانواده و اختصاص دارد.^۱

بهائیان با ایجاد جامعه ای که بنا بر اصول وحدت در کثرت، همبستگی ارگانیک، عدالت، محبت، مشورت، مشارکت و دموکراسی غیر حزبی سازمان یافته است، الگوئی از جامعه ای سالم و پویا و عادلانه که در آن اثری از جنگ و خشونت و دشمنی

^۱ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد پروژه های توسعه ی اجتماعی و اقتصادی بهائی در سراسر عالم مراجعه فرمائید به: آدرس اینترنتی <<http://www.bahai.org>> تحت عنوان پروژه های توسعه ی بهائی، یک روند یادگیری جهانی.

نیست، درمقابل بشریت می نهند. الگوئی که هر انسانی می تواند با آگاهی آن را برگزیند و در آن وارد شود ، الگوئی که می تواند بدون جنگ و انقلاب و خشونت جایگزین الگوهای فرسوده ی امروزی گردد که بعد از قرنها خدمت به بشریت حال درمقابل شرایط متفاوت جوامع امروزی ناتوانی خود را به اثبات رسانده اند.^۱



^۱ بحث این بخش مدیون است به دکترمایکل کارل برگ ، فراسوی فرهنگ رقابت ، فصل ۵ ، بخش راهبردهائی برای دنبال کردن اصلاحات اجتماعی

برخی از احکام دیانت بهائی

نماز و روزه

در دیانت بهائی سه نوع نماز وجود دارد. صلاة صغیر و صلاة وسطی و صلاة کبیر. هر بهائی می تواند هر کدام از این سه نماز را در طول ۲۴ ساعت بخواند. صلاة صغیر همانطور که از اسم آن هم پیداست کوچکترین نماز و عبارت از سه جمله است که فرد می تواند آن را به طور ایستاده و رو به قبله بخواند. مفهوم صلاة صغیر یا نماز کوچک به فارسی این است: خدایا شهادت می دهم به این که مرا خلق فرمودی تا تو را بشناسم و عبادت کنم. گواهی می دهم در این هنگام به عجز خود و توانائی تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو. نیست خدائی به جز تو که فریاد رس و بی نیازی. وقت خواندن این نماز از ظهر تا غروب آفتاب است و یک بار در روز خوانده می شود.

صلاة وسطی یا نماز متوسط طولانی تر بوده و سه بار در روز خوانده می شود. وقت نماز صبح از طلوع فجر تا ظهر است. وقت نماز ظهر از ظهر تا غروب آفتاب و نماز شب از غروب آفتاب تا دو ساعت بعد از آن است.

صلاة کبیر یا نماز بزرگ از همه طولانی تر است و می فرمایند که در ۲۴ ساعت هر وقت حالت اقبال و توجه به فرد دست داد می تواند آن را بخواند.ⁱ

روزه ی بهائی از روز اول آخرین ماه بهائی و ۱۹ روز مانده به عید نوروز شروع می شود و زمان آن از طلوع تا غروب آفتاب است. بهائیان روزه ی جسمانی را رمزی از روزه ی روحانی و راهی برای تقویت اراده درمقابل وسوسه های نفسانی می دانند.ⁱⁱ

ⁱ برای دستیابی به متن این سه نماز مراجعه فرمائید به/دعیه ی حضرت محبوب، ص ۷۹ - ۶۴

ⁱⁱ برای دستیابی به احکام مربوط به نماز و روزه ی بهائی مراجعه فرمائید به: گنجینه ی حد ود و احکام، گرد آوری عبدالحمید اشراق خاوری، ص ۵۴ - ۱۱.

ازدواج و طلاق

بهائیان توصیه شده اند که تا حد امکان با افرادی که از نظر خویشاوندی با ایشان رابطه ی دورتری دارند ازدواج کنند که البته امروزه علم ژنتیک حکمت این حکم را هم تاحدی روشن کرده است.

برای ازدواج رضایت شش نفر لازم است: عروس و داماد و پدر و مادر آنها.

فاصله ی بین دوره ی نامزدی که برای تدارک وسایل زندگی مشترک است با ازدواج نباید بیش از ۹۵ روز باشد. مقدار مهریه محدود به حداکثر ۵ واحد طلا و حداقل یک واحد نقره می باشد (هر واحد عبارت است از ۱۹ مثقال ۲۴ نخودی). وجه مهریه باید هنگام عقد از سوی داماد به عروس پرداخت شود.

عروس های بهائی توصیه شده اند که به حداقل، یعنی همان یک واحد نقره اکتفا نمایند .

طلاق در دیانت بهائی امر مکروهی است اما چنانچه راه دیگری نباشد و نصیحت و مشاوره کاری از پیش نبرد ، مدت یک سال به زن و شوهر فرصت داده می شود تا شاید در این مدت راهی برای آشتی پیدا کنند ، در غیر این صورت پس از یکسال که به دوره ی تربص مشهور است ، طلاق جاری می گردد.

دردیانت بهائی زنان نیز مانند مردان حق تقاضای طلاق دارند.^۱

^۱ برای دستیابی به احکام مربوط به ازدواج بهائی مراجعه فرمائید به گنجینه‌ی حد و د و احکام، گرد آوری عبدالحمید اشراق خاوری، ص ۱۸۶ - ۱۵۹. برای دستیابی به احکام طلاق مراجعه فرمائید به همین منبع ص ۲۸۷ - ۲۷۶. برای بحث مفصل‌تر درباره‌ی اصول روحانی حاکم بر ازدواج بهائی مراجعه فرمائید به جزوات هدیه‌ی ازدواج و مزدوجین جوان، قبل از ازدواج، بعد از ازدواج.

حجاب

درمورد پوشش و حجاب ، لباس خاصی به بهائیان توصیه نشده است و آنان آزادند که با توجه به شرایط فرهنگی ، آداب و سنن اجتماعی و شرایط آب و هوایی و موقعیت اجتماعی خود و سایر مسائل مربوطه پوشش و لباس خود را انتخاب کنند. البته به فرموده ی حضرت بهاء الله افراد باید طوری لباس بپوشند که باعث خنده و استهزا نادانان نشود ، توصیه ای که امروزه با توجه به هرج و مرجی که در این زمینه حاکم است، بسیار ضروری به نظر می رسد.

البته اجباری نبودن چادر و روسری و روبنده و مانند آن به معنای عدم رعایت موازین عفت و عصمت نیست. بهائیان بنا بر تعالیم خود ذره ای عفت و عصمت را بهتر از صدهزار سال عبادت و دریای معرفت می دانند. اما بر این باورند که تضمین نهائی رعایت موازین عفت و عصمت خود داری و کف نفس و تربیت روحانی و اخلاقی است ، نه پوشش و ظاهر.

تعالیم اخلاقی دیانت بهائی

تعالیم بهائی از ما می خواهند که همه را ، هرکسی را که از کنار ما رد می شود دوست داشته باشیم ، می خواهند از چشمه ی جوشان محبتی زلال و خالصانه همه را سیراب کنیم ، می خواهند قلبمان را پاک کنیم ، می خواهند در هرکسی نظر به حسن کنیم، حتی به دنبال خوبی هایش بگردیم ، می خواهند همواره در صدد باشیم خیری به نفسی برسانیم، همواره در این فکر باشیم که قلبی را مسرور سازیم. می خواهند در فکر خود نباشیم ، در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشیم. می خواهند رحمت باشیم برای عالمیان . می خواهند ببخشیم و فراموش کنیم ، اگر لازم شد هزاران بار. می خواهند هر قلب خسته ای را بشارتی باشیم ، هر تن یخ زده ی نومیدی را شعله ی فروزان محبتی ، هر دردی را درمانی و هر زهر را، شکری.

می خواهند دیگران را سرچشمه ی سرور قلبی و محبوب جانمان بدانیم ، از ما می خواهند جان فدایشان کنیم.

می خواهند در هر چهره ای چهره ی محبوب را ببینیم.

حضرت بهاء الله می فرماید : «من برای تو عزت بی زوال پسندیدم»، نیک پیداست که این تعالیم ما را در اوج می خواهد ، به سوی ملائک می خواند، محبوب خداوند می خواهد.

نمونه ای از آثار بهائی

از آثار حضرت بهاء الله

قد تکلم لسان قدرتی من جبروت عظمتی مخاطباً " لبریتی ان
اعملوا حدودی حبا " لجمالی.

مضمون بیان مبارک به فارسی : به راستی لسان قدرت من از جبروت عظمت
من خطاب به مردمم چنین سخن گفت : حدود و احکامم را از روی محبتی
که به من دارید، عمل کنید.

کتاب مستطاب/قدس، بند چهارم

دیده می شود گیتی را دردهای بی کران فرا گرفته و او را بریستر
ناکامی انداخته ، مردمانی که از باده ی خودبینی سرمست شده اند
، پزشک دانا را از او بازداشته اند . این است که خود و همه ی
مردمان را گرفتار نموده اند. نه درد را می دانند و نه درمان را می
شناسند.

دریای دانش ، ص ۳

ای بلبلان فانی ، در گلزار باقی گلی شکفته که همه ی گلها نزدش
چون خار و جوهر جمال نزدش بی مقدار، پس از جان بخروشید و
از دل بسروشید و از روان بنیوشید و از تن بکوشید که شاید به
بوستان وصال درآئید و از گل بی مثال ببوئید و از لقای بی زوال

حصه برید و از این نسیم خوش صبای معنوی غافل نشوید و از این رایجه ی قدس روحانی بی نصیب نمانید.

لوح بلبل معنوی

منظور این مظلوم از حمل شداید و بلایا و انزال آیات و اظهار بینات، اخمد نارضعینه و بغضا بوده که شاید آفاق افنده ی اهل عالم به نور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز گردد.^۱

کتاب عهدی

از آثار حضرت باب

دوران کفایت عبادات کسالت آور فتور آمیز منقضی شد. امروز روزی است که به واسطه ی قلب طاهرو اعمال حسنه و تقوای خالص هر نفسی می تواند به ساحت عرش الهی صعود نماید و در درگاه خداوند مقرب شود و مقبول افتد.

دو ظهور پیاپی، ص ۴۹

حضرت باب خطاب به اولین گروه از مؤمنان خود که به حروف حی مشهورند، وبا اشاره به ظهور حضرت بهاء الله که مقدر بود به زودی واقع شود، چنین فرمودند:

^۱ سعی شد در این مجموعه ی بسیار کوچک نمونه هایی از سبک های مختلف آثار مبارکه ی حضرت بهاء الله گنجانده شود.

شما چشمه های آب حیاتید که از منبع ظهورالهی جاری گشته اید . از خداوند بخواهید که شمارا حفظ نماید تا آمال دنیوی و شئون جهان ، طهارت و انقطاع شما را تیره و آلوده نکند و حلاوت شما را به مرارت تبدیل ننماید . من شما را برای روزخداوند که می آید تربیت و آماده ساخته ام و می خواهم که اعمال شما در مقعد صدق عند ملیک مقتدر قبول افتد. راز و اسرار یوم الله که خواهد آمد امروز مکشوف نیست . طفل تازه متولد آن روز ، مقامش از بالغین این امر ارجمندتر است و جاهل آن ظهوردرجه اش از عالم این روز بالاتر.

دو ظهوریابی ، ص ۴۹

از آثار حضرت عبدالبهاء

درفکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمائید و به اعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید ، بالعکس معامله نمائید و به حقیقت مهربان باشید ، نه به ظاهر و صورت . هرنفسی از احبای الهی باید فکر را دراین حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار ، به هر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نورهادایت تابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید . محبت نور است در هرخانه بتابد و عداوت ظلمت است

درهرکاشانه لانه نماید.ای احبای الهی همتی بنمائید که این
ظلمت به کلی زائل گردد.

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۲۱

تا توانید خاطر موری نیازارید چه جای انسان و تمامکن سرماری
مکوبید تا چه رسد به مردمان. همت برآن بگمارید که سبب حیات
و بقا و سرور و فرح و راحت و آسایش جهانیان گردید ، خواه آشنا
و خواه بیگانه. خواه مخالف و خواه موافق . نظر به پاکی گهر و یا
ناپاکی بشر ننمائید ، بلکه نظر به رحمت عامه ی خداوند اکبر
فرمائید که پرتو عنایتش جهان و جهانیان را احاطه نموده...

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۷-۲۰۶

نظرات دیانت بهائی درباره ی ایران و آینده ی آن

با این که هدف اصلی بهائیان وحدت عالم انسانی و خدمت به جمیع بشر است ، اما این مانع از آن نیست که اهل هر کشور که هستند به وطن خود عشق بورزند.

بهائیان تعصب وطنی را مانند هر نوع تعصب دیگری ناپسند می دانند، اما بین تعصب و جانبداری بدون دلیل و از روی غرور و نادانی از چیزی با دوست داشتن آن فرق زیادی هست.

نه تنها بهائیان ایران ، بلکه بهائیان سراسر جهان ایران را که وطن مبشر و مؤسس آئین نازنین آنان و محل شهادت بیش از بیست هزار شهید بایی و بهائی است دوست دارند و در آبادانی و سربلندی و عزت آن می کوشند.

بهائیان معتقدند که این کشور که در گذشته مهد تمدن و فرهنگ و معدن خصائل و صفات حمیده ی انسانیه بوده، در آینده عزیزترین و محترم ترین و آبادترین نقطه ی عالم خواهد شد.

«ایران چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد.»^۱

^۱ از بیانات حضرت عبدالبهاء، نقل در جزوه ی ایران در نظر بهائیان، ص ۲۰

نظرات برخی از مشاهیری که با دیانت بهائی آشنا گردیدند

دکتر آگوست فورل (August Forel) دانشمند حشره شناس نامدار سوئیس و کارشناس بیماریهای روانی و اعصاب که تصویر او تا مدتها بر روی گرانبهاترین اسکناس سوئیس (یکهزار فرانکی) چاپ شده بود، دروصیت نامه ی خود می نویسد:

تعالیم بهائی اهل عالم را در سراسر کره ارض به وحدت و اتفاق و محبت و ائتلاف دعوت می نماید ... آرزوی من این است که ترقی نماید و موجب سعادت عالم انسانی گردد.

کنت لئو تولستوی (Tolstoy) نویسنده و فیلسوف و رمان نویس شهیر روسی می نویسد:

من معتقد شده ام که این دین آینده جامعه بشری است و دنیا را متحد خواهد نمود ... دیانت بهائی دارای فلسفه ای بسیار عمیق است که نسل حاضر از درک آن عاجز است ... تعلیمات بهائی روح این عصر و به مقتضای نیاز بشر پدید آمده است.

هلن کلر (Helen Keller) نویسنده و سخنران نامدار آمریکائی می نویسد:

دیانت بهایی شایستگی آن را دارد که حد اعلاى توجه ما را به خود معطوف سازد... چه موضوعی اصیل تر و شایسته تر از اتحاد و امنیت ملت ها است... پیام صلح عمومی بهائی ... دارای نیروی زنده ی فعاله ای است که ... در قلب هر فرد انسانی حس مقدس محبت و خدمت به همونوع را ایجاد می کند و سبب سرور و اطمینان قلبی می گردد.

رومن رولان (Romain Rolland) نویسنده ی بزرگ فرانسوی و برنده ی جایزه نوبل
سال ۱۹۱۶ می نویسد:

من زندگی و فداکاری های حضرات باب و بهاءالله را برای جامعه
بشریت خوانده ام و مستغرق دریای تعجب گردیده به عظمت
وجودشان پی برده ام.

توماس ادیسون (Edison) مخترع آمریکائی که در سال ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء را ملاقات
نمود، راجع به این موضوع مینویسد:

ملاقات این شخص بزرگوار به من فهماند که تمام اختراعاتی را
که من کرده ام بعلت وجود عبدالبهاء در جهان و بمنظور پیشرفت
و ترقی سریع دیانت بهائی بوده است.

شیخ محمد عبده (Abdou) شخصیت بزرگ مصری رئیس جامع الازهر، که در سال
۱۹۰۶ حضرت عبدالبهاء را در بیروت زیارت نمود، مینویسد :

ملاقات حضرت عبدالبهاء برای من از دیدن بزرگترین فیلسوف
عالم مفید تر بود. من هیچکس را تا به حال به فطانت و ذکاوت و
علم و قدرت حضرت عبدالبهاء ندیده ام او عالم سر و الخفیات
است و اسرار قلوب را می داند و جواب می گوید ... به من ثابت
شد که روح القدس در وجود او متمرکز میباشد. علم او لدنی و
قدرت او الهی است.

خلیل جبران (Khalil Jabran) نویسنده معروف مصری در کتاب پیامبر مینویسد:
هنگامی که به حضور حضرت عبدالیهاء مشرف شدم احساس کردم که برای
نخستین بار در زندگی ام شخصی را دیده ام که از وجودش روح القدس
تجلی می نماید...ⁱ

ⁱ مطالب بالا برگرفته شده است از : <http://www.aeenebahai.org>

برخی از سایت های بهائی برای کسب اطلاعات بیشتر

در مورد مسائل روز مراجعه کنید به به سایت های :

<http://www.aeenebahai.org>

<http://www.noghtenazar.com>

برای آشنائی با جامعه ی جهانی بهائی مراجعه کنید به :

<http://www.bahai.org>

برای دستیابی به کتب مرجع بهائی به زبان فارسی مراجعه کنید به:

<http://www.reference.bahai.org>

برای دستیابی به کتب و مقالات بهائی مراجعه کنید به :

<http://www.bahailibrary.org>

برای دستیابی به لینک های بهائی درزمینه های گوناگون مراجعه کنید به :

<http://www.bahaindex.com>